خراسان رضوی

صفحه آخر

یکشنبه
۱۹ دی ۱۳۹۵
۹ ربیع الثانی ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۷۳

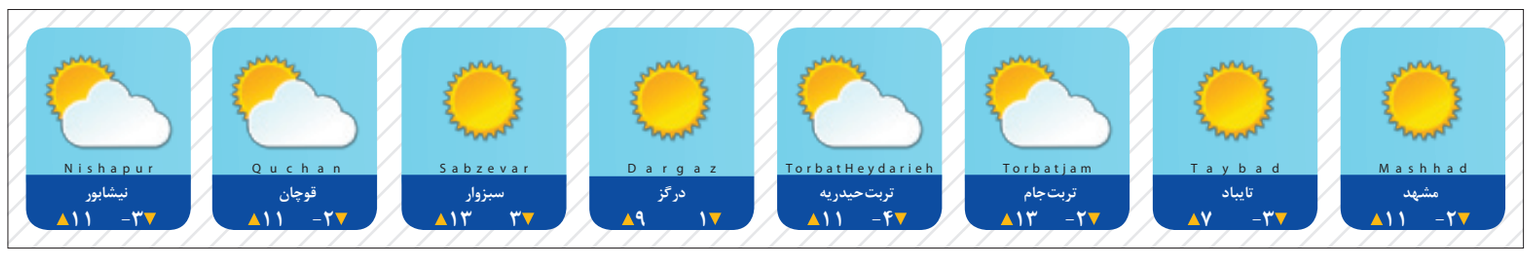

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

کسی که خدای سبحان را می شناسد، شایسته است دلش از بیم و امید به او خالی نباشد.
شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج۶، ص۴۴۱، ح۱۰۹۲۶

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
یافت تو آرزوی ماست
و دریافت تو نه به قوت بازوی ماست
الهی
آنچه تو کشتی آب ده
و آنچه عبدا... کشت بر آب ده

شاعران خراسانی

اخوان ثالث

خراسان به روایت خراسان

۱۹ دی ماه ۱۳۴۹

دنده جانیفتاد، کامیون به کال افتاد

۴۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:
کامیونی به رانندگی شخصی به نام کمال و ۷ سرنشین که در جاده درگز در حرکت بود، در لحظه‌ای که در یک سربالایی راننده قصد داشت دنده عوض کند، دنده جا نیفتاد و کامیون به عقب برگشت و تا راننده خواست به خود بجنبد، کامیون مزبور در کالی‌واژگون شد و در نتیجه سه نفر از سرنشینان آن به اسامی حسن ۵۰ ساله، محمد ۱۸ ساله و عیدقلی ۲۵ ساله که بر روی بار کامیون قرار داشتند، هر کدام به طرفی پرت شدند و به سختی آسیب دیدند. مصدومین توسط اتومبیلی به درگز انتقال یافتند و در بیمارستان آن شهر تحت معالجه قرار گرفتند.

انفجار پیت نفت، نوجوانی را کُشت

خان محمد رحمتی، ۱۲ ساله، اهل تربت جام، که چند روز قبل بر اثر انفجار پیت نفت، تمام اعضای بدنش سوخته و پوست وی کنده شده بود، به مشهد اعزام و در بیمارستان سوانح، مورد مداوا قرار گرفت. ولی معالجات در مورد وی مؤثر واقع نشد و نامبرده بر اثر جراحات وارده ناشی از سوختگی، نیمه‌شب گذشته در بیمارستان بدرود حیات گفت. امروز صبح نیز جسد وی برای معاینه و صدور اجازه دفن به پزشکی قانونی حمل گردید و پس از انجام تشریفات به خاک سپرده شد. پسر مزبور در کلاس پنجم یکی از دبستان‌های تربت جام تحصیل می‌کرد.

زنی سه قلو زایید

بانو فاطمه رجائی اهل قریه قلندرآباد فرمان بعد از ظهر چهارشنبه ۱۶ دی ماه در بخش زایشگاه بیمارستانی در مشهد وضع حمل کرد و سه قلو زایید.
مقارن ظهر روز چهارشنبه بانو فاطمه احساس درد کرد و به قابله محلی مراجعه نمود و پس از لحظه‌ای یک فرزند او به دنیا آمد. قابله و اطرافیان طبق معمول تصور می‌کردند که کار زایمان تمام شده و بانو فاطمه باید به استراحت بپردازد. لکن بانوی مزبور، احساس ناراحتی شدیدتری می‌کرد که سرانجام ناچار شدند، او را به مشهد بیاورند و در بخش زایشگاه بیمارستان مشهد بستری کنند؛ پس از ساعتی که از بستری شدن بانوی مزبور گذشت علایم زایمان در وی ظاهر گشت و دو فرزند دیگر به دنبال هم از او متولد شدند، هر سه طفل بانو فاطمه دختر می‌باشد و حال هر سه آن‌ها کاملا خوب و رضایت‌بخش است. بانو فاطمه قبل از تولد سه فرزند اخیرش، ۸ فرزند دیگر هم به دنیا آورده که جمعا با این سه نفر، ۱۱ بچه دارد که پنج نفر پسر و شش نفر دختر می‌باشد. شوهر بانو فاطمه که ضمنا پسرعموی او هم می‌باشد، از دو همسر قبلی خود دارای هشت فرزند می‌باشد و جمعا با فرزندان بانو فاطمه، صاحب ۱۹ فرزند است. بانو فاطمه در بیمارستان، طی گفت و گوی کوتاهی به خبرنگار ما اظهار داشت: همسر من که بیش از پنجاه سال از عمرش می‌گذرد، کار درست و حسابی ندارد و نمی‌دانم برای سیر کردن شکم این ۱۹ بچه چه خواهد کرد، حتما خدا کریم است و روزی‌رسان.

نمای تاریخی

تصویر فاطمه بانو و سه قلوهایش که در روزنامه خراسان آن دوران به چاپ رسید.

خط خطی

علایی

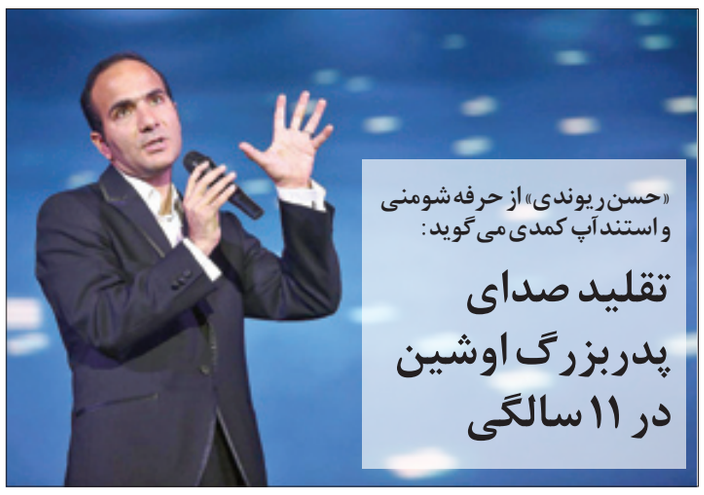

لابه‌لای کلماتش پُر است از شوخی‌های ریز و درشت، کنایه‌های سبک و سنگین و کمی هم طنازی و حتی تقلید صدا، طوری که مصاحبه ساده تبدیل می‌شود به یک مصاحبت شیرین و به یاد ماندنی. حسن ریوندی به اذعان سجلی‌اش، متولد سال ۵۵ در شهر سبزوار است. او از ۱۱ سالگی تقلید صدا را شروع کرده و بیش از دو دهه است که به گفته خودش به حرفه «شومنی» مشغول است. مهارت او در خنداندن و بداهه‌گویی و صد البته توانش در تقلید صدا، باعث شده است تا اجراهایش با استقبال خوبی مواجه شود. فرصت کوتاهی دست می‌دهد تا با او درباره این حرفه جالب خیلی جدی صحبت کنیم و انگیزه‌های او را برای ورود به این عرصه جویا شویم:

تقلید صدای پدربزرگ اوشین و خانم خامنه در دوران مدرسه

ریوندی برای ما از اولین تجربه‌هایش در صداسازی و تقلید صدا، این طور می‌گوید: در دوران ابتدایی و زنگ‌های تفریح برای دوستانم صدای عمده شخصیت‌های کارتونی تلویزیون و برنامه‌های کودک آن دوران، مثل برنامه خانم خامنه را تقلید می‌کردم. یادم می‌آید آن روزها سریال «سال‌های دور از خانه» پخش می‌شد و حسابی هم معروف بود و من صدای تمام شخصیت‌های سریال مثل اوشین، ریوزو و پدربزرگ اوشین را تقلید می‌کردم. خیلی وقت‌ها ناظم مدرسه از پشت درخت به تماشای کارهای من می‌نشست. یک‌بار به بهانه همین کارهایم، مرا به دفتر مدرسه برای تنبیه بردند. آنجا ناظم به من گفت، یا ۲۰ تا خط کش می‌خوری یا صداهایی را که برای بچه‌ها درآوردی، برای تمام معلمان و مدیر هم تکرار می‌کنی. طبیعی بود انتخاب من دومی باشد و از قضا اجرایم مورد پسند معلمان قرار گرفت. از آن به بعد من در تمام مراسم مدرسه برنامه اجرا می‌کردم. مدرسه ما مثل مدارس دیگر گروه سرود و نمایش داشت اما خاطرم هست که معلمان فقط زمان اجرای برنامه من از دفتر مدرسه بیرون می‌آمدند و به تماشا می‌نشستند. او می‌افزاید: مردم شهر سبزوار مردم خوش‌ذوقی هستند که به هنر، شعر و شاعری علاقه دارند و همان‌طور که می‌دانید مشاهیر زیادی از این شهر برخاسته‌اند. همشهری‌هایم همیشه به من محبت داشته و از برنامه‌هایم استقبال کرده‌اند و این به من خیلی انرژی داد.

الگویم چارلی چاپلین است چون از زمان خودش جلوتر بود

ریوندی نیز مانند اغلب چهره‌های شناخته شده، الگوی خاصی دارد که برای او کسی نیست جز «چارلی چاپلین». خودش در این باره عنوان می‌کند: الگویم اول چارلی چاپلین است، از ایده و شیوه کار و تفکرش خوشم می‌آید و همیشه برایم جالب بوده که چارلی چطور یک قرن از عصر خودش جلوتر بوده است، بعد از او شخصیت‌های دیگری هستند که کارشان را تحسین می‌کنم، مثل؛ لورل و هاردی، گری لوئیس کی و بن هیل، آن‌ها از زبان طنز بهره گرفتند تا فرهنگ‌های نادرست جامعه خود را اصلاح کنند. وی بر این مسئله که یک طنزپرداز باید بتواند با هنرش فرهنگ‌سازی کند، تاکید می‌کند و ادامه می‌دهد: طنز هیچ‌گونه موضعی در قبال افراد نمی‌گیرد و از قضا موضع‌گیری‌ها را هم از میان برمی‌دارد. تحقیقات نشان داده است که مردم هنگام شادی و خنده پذیرش بالایی برای دریافت یک پیام دارند، به همین دلیل بهترین راه فرهنگ‌سازی در جامعه، استفاده از سلاح طنز است. به طور مثال، ممکن است مردم کشوری قانونی را نپسندند که یک طنزپرداز با هنر طنز خود آن قانون را قابل‌پذیرش می‌کند و بستر ارتباط مردم را با آن فراهم می‌سازد. او برای جوان‌هایی که مایلند وارد حرفه شومنی و استندآپ کمدی شوند نیز چند توصیه مهم دارد؛ «هر چیز یک آنی دارد. «آن» یک حالت و انرژی از انسان‌هاست که در افراد قوی یا ضعیف است و کسی که علاقه و استعداد را توامان دارد، باید با تمرین، ممارست و سپری کردن دوره‌های آموزشی، راه خود را به سوی موفقیت باز کند. داشتن آگاهی و اطلاعات هم بر توان بداهه‌گویی او خواهد افزود.» ریوندی می‌گوید: ما هم مثل مردم عادی گاهی جدی هستیم و گاهی شوخ طبع و الزاما همیشه طنز چاشنی زندگی‌مان نیست. تحقیقات نشان داده، افرادی که طنز کار می‌کنند بیشتر از افراد عادی دچار ناراحتی و افسردگی می‌شوند و هنوز دلیل این امر مشخص نشده است.

دوست دارم اجراهایم بین‌المللی شود

این طنزپرداز از برنامه‌های آینده‌اش این‌طور می‌گوید: برنامه طنزی در دست ساخت دارم که به مشکلات و فحاشی‌ها در فضای مجازی اشاره دارد و مطرح می‌کند که دنیای مجازی همان دنیای واقعی است و همان خدایی که در دنیای واقعی ناظر بر اعمال ماست، در دنیای مجازی نیز حضور دارد. وی تاکید می‌کند: در سطح کلان باید مسئولان به فکر شاد کردن مردم باشند تا صدمات جدی از نظر روحی و روانی به جوانان و خانواده‌ها وارد نشود. مردم شادی و خندیدن را دوست دارند و باور دارم که خنده و شادی برطرف‌کننده بسیاری از آسیب‌های جامعه است. ریوندی دوست دارد کارهایش زمینه‌ساز ارتقای فرهنگ اجتماعی شود و یادآور می‌شود: تلاش می‌کنم زبان انگلیسی‌ام را ارتقا بدهم و اجراهایم را در سطح فرامرزی توسعه ببخشم. معتقدم از این مسیر می‌توان تاثیر خوبی ایجاد کرد و تعصبات فرهنگی و... را از میان برد.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا کیانیان بازیگر، در صفحه شخصی خود از پیوستن رضا یزدانی خواننده و گروه آوای ماهان به سرپرستی فرهاد محمدصادقی و رهبری نیما فاتحی به کمپین «من صدای آب هستم» خبر داد.

برزو ارجمند در صفحه اینستاگرامش یک قاب شاد را با هادی کاظمی در رشت به اشتراک گذاشت.

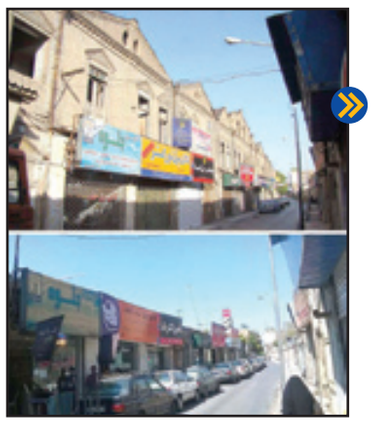

تصویری از تخریب بنای تاریخی در کوچه سینما «آسیا»، تعجب کاربران شبکه‌های مجازی را برانگیخت.

یادداشت

محمدرحیم نوروزیان

فرماندار شهرستان مشهد

اقدامات جزیره‌ای؛ آفت طرح‌ها و اقدامات برای ساماندهی حاشیه شهرها

حاشیه‌نشینی حالا به یکی از چالش‌های کلان شهرهای ایران تبدیل شده است. این شکل از اسکان‌های غیررسمی تبعاتی را رقم می‌زنند. فقر و آسیب‌هایی که گریبانگیر بخشی از ساکنان این مناطق است، تهدیدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می‌شود، از این منظر اتخاذ تدابیری برای ساماندهی وضعیت موجود و پیشگیری از گسترش این بافت در حاشیه شهرها ضروری است. در برخورد با این پدیده، همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی باید از یک‌جانبه‌نگری پرهیز و برای چاره‌اندیشی و درک مسائل اجتماعی آنان اهتمام شود. بعضا دو روش فراروی مدیران و برنامه‌ریزان شهری برای حل مسئله حاشیه‌نشینی وجود دارد؛ نخست نادیده گرفتن حاشیه‌نشینی و ارائه نکردن امکانات و خدمات به این حوزه است که این رویکرد از ریشه مردود است. دوم قبول واقعیت حاشیه‌نشینی از جانب مسئولان و سپس کنترل و هدایت آن در چارچوب طرح‌های توسعه شهری است. در این راهبرد حاشیه شهر به رسمیت شناخته می‌شود و برای پیشگیری از رشد آن و ساماندهی آسیب‌هایش تلاش می‌شود. به عبارت دیگر این رویکرد در قالب توانمندسازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق راهبرد توسعه پایدار و درون‌زای شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. برای حل مسئله حاشیه‌نشینی باید مسائل اقتصادی و فرهنگی توامان مورد توجه قرار گیرند، از این رو نمی‌توان یکی از آن دو را بر دیگری مقدم دانست. مسائل اقتصادی و فرهنگی در حاشیه شهرها حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند و مویدِ این امر، نشات گرفتن هر کدام از تبعات دیگری است. تاکنون اقدامات شایسته‌ای از سوی مسئولان و دستگاه‌های اجرایی برای تامین اعتبارات و امکانات به منظور حل مسائل حاشیه شهر مشهد انجام شده است که جای تقدیر و تشکر دارد اما نباید از این مهم غافل شد که پراکنده‌کاری، جزیره‌ای عمل کردن و همچنین نبود انسجام، به کیفیت کار در حاشیه شهرها لطمه می‌زند. به این‌ها رویکردهای موازی کارانه را نیز بیفزایید. بر این اساس، لازم است مسئولان دستگاه‌های اجرایی، رسانه‌ها و متولیان امور فرهنگی، رویکرد واحدی اتخاذ کنند؛ باید تدابیر لازم در قالب خرد جمعی اتخاذ شود تا از منابع محدود استفاده بهینه صورت گیرد. به طور مثال، تاکنون آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌نشینی در کشور احصا شده و در قالب سندی گردآمده و برای رفع آن‌ها راهبردهایی پیشنهاد شده است. در این اسناد، حاشیه‌نشینی و بافت‌های فرسوده بستر تولید بخشی از آسیب‌ها عنوان شده است. ستاد ملی بازآفرینی پایدار شهری، عهده‌دار پیگیری امور در این سند است و مقرر شده تمامی دستگاه‌های درگیر در موضوع حاشیه‌نشینی را در بخش‌های مختلف در یک میز گرد آورد و سهم و قدر و به بیان بهتر ماموریت آن‌ها را برای پیشبرد برنامه‌های بهسازی و نوسازی این بافت‌ها و آسیب‌زدایی از آن‌ها پیگیری کند. با این رویکرد و همگرایی، سند مذکور، دو هزار و ۷۰۰ محله دارای بافت ناکارآمد شهری را در طول دو برنامه توسعه پنج ساله کشور ساماندهی می‌کند. یکی از شاخص‌های بازآفرینی، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. ارتقای شاخص‌های خدمات شهری، آموزش، زیرساخت‌های بهداشتی، امنیت، فعال‌سازی نهادهای تسهیل‌گر و... از دیگر سرفصل‌های این حوزه تعریف شده‌اند. حلقه اصلی در تحقق چنین برنامه کلانی که نوعی تقسیم کار را صورت داده، صرفا همدلی نهادها و مسئولان ذی‌ربط و پرهیز از پراکنده‌کاری، سلیقه‌گرایی و موازی‌کاری است. اما گام بعدی جلب مشارکت ساکنان این بافت‌ها و افزایش احساس تعلق آن‌ها به شهرشان است. اگر بستر همراهی این افراد فراهم آید، برنامه‌های ساماندهی با شتاب بیشتری پیش خواهد رفت. باور داریم که مشارکت اجتماعی حاشیه‌نشینان و ساکنان دیگر بافت‌های ناکارآمد شهری رمز حرکت رو به جلو در برنامه‌هایی است که با محوریت این بافت‌ها اجرایی می‌شود. امیدواریم در آینده نزدیک، شاهد باشیم که برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عملیاتی در حاشیه شهرها، آثار ارزشمند و ماندگاری از خود به جای گذاشته‌اند.